

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۶۰ - ۱۳۹

بررسی زیبایی شناسی قرآن کریم با رویکردی بر معناشناسی و تکثر معنا

محمد طاهری گندمانی^۱

محمد رضا حاجی اسماعیلی^۲

چکیده

اصل ترادف و تکثر معانی الفاظ قرآن کریم بعنوان یک رویکرد زیبایی شناختی این کتاب مقدس همواره مورد توجه صاحب نظران بوده است. این رویکرد همواره در طول تاریخ دارای موافقین و مخالفین زیادی بوده است. مفسرین و قرآن پژوهان موافق تکثر معنایی سعی دارند با بهره گیری از آن مقبولترین، قابل پذیرش ترین و زیباترین مفهوم و تفسیر از آیات الهی را ارائه نمایند. این رویکرد بعضاً با اتهاماتی همچون افتادن در دام تشبث، نسبت گرایی و همین طور تفسیر به رأی مواجه شده است. در مقاله حاضر سعی شده با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی و استفاده از شواهد قرآنی و دلایل متقن و علمی ضمن تبیین موضوع زیبایی و ابعاد مختلف آن به نقد و تحلیل آن پرداخته شود و ضمن پذیرش اصل عدم امکان ترادف برای واژگان قرآنی و محدودیت آنها از یک سوی و همچنین ضرورت ارائه موضوعات و مفاهیم فراوان دینی از سوی دیگر، آن را بعنوان اصلی مهم و کاربردی اثبات نماییم. نتایج تحقیق چنین است که در کاربردهای قرآنی واژگان زیبایی تفاوت‌هایی وجود دارد که در مجموعه برداشت‌های ما از آیات الهی تاثیر گذار است. در کاربردهای قرآنی واژگان زیبایی تفاوت‌هایی وجود دارد که در مجموعه برداشت‌های ما از آیات الهی تاثیر گذار است.

واژگان کلیدی

تکثر معانی، زیبایی شناسی، معنا شناسی، تفسیر، ترادف.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
Email: m.taherigandomani@gmail.com
۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
(نویسنده مسئول)

Email: m.hajiesmaeili@ltr.ui.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۸

طرح مسأله

همواره وحدت یا کثرت معنایی الفاظ از مهمترین موضوعات مورد بحث محققین بوده است. این موضوع به عنوان یکی از مبانی مهم معناشناسی توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده است. معناشناسی به عنوان یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی می‌باشد که به منظور شناخت معنا و مفهوم نشانه‌ها بکار برده می‌شود. هدف اصلی معناشناختی شناخت توان سخنگوی یک زبان در درک و فهم صحبت‌ها و پی بردن به اهداف و منظوره‌های یکدیگر می‌باشد. زبان‌شناس بایستی درک کند که یک سخنگوی یک زبان به چه دلیل با شنیدن بعضی کلمات پی به معنای خاص برده و در عین حال بعضی کلمات را رد می‌کند. در واقع معناشناسی و شناخت تکثر معنا کلیدی جهت گشایش دریچه‌های متن و کلام می‌باشد. شناخت و کسب درک درستی از این علم قطعاً می‌تواند درکی درست همراه با یک حس زیبا از مفاهیم قرآنی نیز کارگشا باشد. استفاده بهینه از تمامی روشها و ابزار جهت حیات بخشیدن و ایجاد زیبایی به مفاهیم و پرداختن به حقایق و طراوت بخشیدن به مخاطب از جلوه‌های زیبا و باشکوه قرآن کریم می‌باشد.

واژه زیبا از مصدر زبیدن دارای معانی چندی از جمله زینده، جمیل، نیکو، شایسته، آراسته و خوش نما است و زیبایی هم یعنی کیفیت زیبا و حالت مقبول که عبارت است از هماهنگی و نظمی که با پاکی و عظمت در اشیاء وجود دارد، این عامل تخیل، عقل و تمایلات عالی بشر را به تحسین وادار نموده و در وجود او انبساط و لذت ایجاد نموده و این شادی و لذت امری متغیر و نسبی است. زیبایی نوعاً قابل شناسایی و درک بوده، لیکن غیرقابل تعریف است (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۷). با این وجود تا کنون برای زیبایی تعریف‌های فراوان و متفاوتی ارائه شده است و هر گروه با توجه به میزان اطلاعات و رشته تخصص خویش سعی در معرفی و شناساندن آن نموده اند.

زیبایی‌شناسی امروزی از هنر و فلسفه یونان سرچشمه گرفته و در قرن هجدهم میلادی تحت عنوان دانشی مستقل ایجاد گردید و تاکنون رشد زیادی داشته و دارای شاخه‌های متنوعی گردیده است و در ادامه مباحث و نظریات فراوانی را عرضه نموده است. با مراجعه به قرآن کریم و نظر به آیات وحی به وضوح می‌توان دریافت که بعد زیبایی در آن اهمیتی

ویژه و ممتاز داشته و قرآن کریم برای زیبایی نظامی بسیار جامع و کامل ارائه داده و در رابطه با مباحث مهم و مطرح در عرصه زیبایی و زیبایی‌شناسی دارای رای و صاحب نظر است (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۳۹).

زیبایی‌شناختی نمونه‌ای از روش‌ها و مکاتب گوناگون در تفسیر قرآن کریم است که بر اساس این نظریه، هدف غایی و کمال قرائت متن در به حداکثر رساندن وجوه معنایی یک اثر می‌باشد. این رویکرد دارای فواید زیادی از جمله ارزش ادبی چند معنایی است، اما در عین حال در «هرمنوتیک پسامدرن» دارای مشکلاتی از جمله بی‌اعتنایی به قصد و منظور مولف متن و بازی آزاد نشانه‌ای با متن است. بطور عام در تفسیر قرآن کریم رویکرد مفسرین تأیید کننده «قصده گرایي انحصاری» است و از سویی روشهایی همچون تفسیر زیبا شناختی که فهم‌های طولی و عرضی و همچنین چند معنایی قرآن کریم را بدنبال دارد، با اتهاماتی چون تشتت و نسبیّت‌گرایی در تفسیر مورد پذیرش نیست. (سعیدی روشن، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۳۰).

در رابطه با تکرر معنا، معناشناسی، زیبایی‌شناختی، و موضوعات پیرامون این موارد، کتب و مقالاتی چند تالیف گردیده است. از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

موسوی لری و یاقوتی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر نظریه سید قطب» به نظریه تصویرپردازی هنری آیات قرآن سید قطب پرداخته و از قاعده تصویری بودن زبان عربی در بیان اغراض گوناگون قرآن بهره می‌برد.

پارسایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی شمول‌پذیری در آیات قرآن کریم» به مبانی شمول‌پذیری آیات و اصول آن یعنی عدم انحصار فهم به عصر مخاطبان، التزام به فرهنگ عصر نزول، وجود معانی کلی در قرآن کریم، و استعمال الفاظ برای روح معنا پرداخته است. شهبازی و شیرازی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه چند معنایی در تفسیر کشاف و مجمع البیان» به موضوع گسترش معنایی، تخصیص معنایی، انتقال معنایی از راه مجاز و استعاره به عنوان روند تغییر معنایی در دو تفسیر مذکور پرداخته‌اند. سیدی و خلف (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زیباشناختی تصویرهای هنری در قرآن (مطالعه موردی سوره فصلت)» علل پدید آمدن این تصاویر را استعاره، کنایه تشخیص و تجسیم و همچنین

حاصل ترکیب عناصری مانند تقابل صحنه‌ها، محاوره و گفتگوها می‌داند. طیب حسینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر نظریه بنت الشاطی در عدم ترادف میان واژه‌های قرآن» با بیان نظریه بنت الشاطی در چهار مورد نظریه او را نقد کرده است:

۱- ناتوانی از بیان تفاوت میان بعضی کلمات مترادف ۲- ناشناخته بودن بعضی معانی بیان شده برای اعرابی که قرآن به زبان آنها نازل شده است ۳- بی‌ثمر و اثر بودن بعضی تفاوت‌های بیان شده در تفسیر قرآن ۴- عدم قبول انکار ترادف در کلمات متعلق به دو لهجه. اما کتاب یا مقاله‌ای که بطور خاص به موضوع زیبایی‌شناختی با رویکرد تکثر معناشناسی و تکثر معنا در خصوص قرآن کریم پرداخته باشد، نگاشته نشده است. نوآوری این پژوهش در مقایسه با تحقیقات فوق‌ترکز بر آیات الهی و بررسی آنها بر اساس موضوع «زیبایی‌شناختی قرآن کریم با رویکردی بر معناشناسی و تکثر معنا» است.

۱. تکثر یا مفرد بودن معنای الفاظ در قرآن کریم

یکی از مهمترین و اصلی‌ترین مبانی تکثر معنا بر اصل کاربرد لفظ در بیشتر از یک معنا استوار است. این به این معناست که متکلم قادر است یک لفظ را در یک کاربرد و ساخت در چند معنا به کار برد. پیش فرض دوم در رابطه با چندلایگی زبان و تکثر معنا می‌باشد که موید مبین بودن قرآن کریم است، این فرض بر مبنای استفاده لفظ واحد در چند معنا استوار است، کتاب الهی در صورتی می‌تواند «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) باشد که بتواند با استخدام کمترین الفاظ بیشترین معانی را بیان نموده و به مخاطبین ابلاغ نماید.

تکثر معنای متن می‌تواند حاصل تعدد مرجع ضمیر، دلالت حروف بر چندمعنا، موصول یا اسم اشاره، مشترک لفظی یا معنوی بودن برخی از عبارات و الفاظ باشد، از این موارد در آیه: « فِی کِتَابٍ مَّكْنُونٍ * لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ » (واقعہ / ۷۹ و ۷۸) است که اگر ضمیر مفعولی در « لَا یَمَسُّهُ » به قرآن ارجاع داده شود، یک حکم فقهی را عنوان نموده است؛ به این معنا که ناپستی بدون طهارت به قرآن دست زد (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۵۱۰؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱۰: ۱۰۹)، به عبارتی « لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ »، صفت سوم برای قرآن است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۳۷)، با این بیان نفی در معنای نهی بکار رفته و در غیر این صورت کذب لازم می‌آید (جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۵۸)؛ زیرا این به این معنا نیست که

شخص غیرطاهر آن را مس ننماید. ولیکن در صورتی که ضمیر مفعولی در «لَا يَمْسُهُ» به: «كِتَابٍ مَكْنُونٍ» ارجاع داده شود؛ یعنی آن را صفت برای «کتاب مکنون» فرض نموده است، اینجا در حقیقت یک حکم معرفتی را بیان داشته و سخن از تماس با اعضا نیست، بلکه به این معنا است که برای درک و فهم درست آن به وجود و نهادی پاک از گناهان و عاری از هر گونه وابستگی به غیر خدا نیاز است (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۳۹). شبیه این موارد در آیه: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/ ۵۶). واژه «يُصَلُّونَ» در حقیقت یک لفظ می‌باشد که در دو معنای متفاوت به کار رفته است، یکی صلوه خداوند که به معنای رحمت و مغفرت او است و دیگری صلوه ملائکه که به معنای طلب مغفرت و استغفار است (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۱۶).

یا معنای لفظ «مساجد» در آیه شریفه: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن/ ۱۸)، که این لفظ بر دو وجه می‌باشد: معنای اولی آیه یعنی مساجد یا عبادتگاه‌ها متعلق به خدا هستند، و در عبادت هیچ کسی را شریک و همتای خداوند قرار ندهید؛ لیکن در روایتی از امام جواد (ع) منظور از مساجد مواضع سجده عنوان شده و بر این اساس محل قطع نمودن دست دزد در اجرای حد دست دزد چهار انگشت عنوان گردیده است. بنابراین جمله اول آیه شریفه این گونه معنا می‌شود که جایگاههای سجده تعلق به خداوند دارند که با آنها باید پرستش خداوند انجام شود، پس آنها تعلق به سارق ندارند که در برابر جرمش از او گرفته شوند. تفسیر نقل شده از امام برای آیه مذکور برداشتی دیگر می‌باشد که کنار معنای اول قرار می‌گیرد و هر دو معنا مقصود و منظور آیه شمرده شده اند و این موارد بر امکان موضوع چند معنایی آیه دلالت دارند (طیب حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

از نمونه‌های دیگر چند معنایی، صیغه «يُضَارُّ» در: «وَلَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ» (بقره/ ۲۸۲) است، در این آیه فعل مضارع «يُضَارُّ» می‌تواند شکل ادغام شده‌ای از فعل معلوم «لَا يُضَارُّ» در معنای «نباید ضرر بزند»، باشد. در اینجا دو عامل کاتب و شهید هر دوازده نظر نحوی و دستوری، فاعل مخاطب خداوند محسوب می‌شوند، مضافاً که عبارت «يُضَارُّ» را می‌توان شکل ادغام شده فعل مجهول «لَا يُضَارُّ» عنوان نمود، به این معنا که نباید ضرر زده شود و در این حالت هریک از کاتب و شهید بعنوان نایب فاعل ایفای نقش می‌نمایند؛

لیکن در این حالت مخاطبِ خدای متعال نخواهند بود؛ بلکه طرفین معامله مخاطب هستند. پذیرش هر کدام از دو معنای فوق منشاء بروز احکام فقهی متفاوتی از آیه شده است (طیب حسینی، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

در رابطه با امکان چند معنایی در آیات الهی از اهل بیت (ع) نیز روایاتی نقل شده است، از جمله در مورد آیه دوم سوره مبارک کوثر: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ»، عنوان شده که خداوند در این آیه پیامبر (ص) را مخاطب خویش قرار داده و فرمود: «حال که ما به تو کوثر را عطا کردیم هم نماز بخوان و هم نحر انجام بده». در اینجا «وَانْحَرْ» معنای مشهوری را در بردارد که بیشتر مفسران آن را بیان نموده اند، از نظر آنها نحر به معنای قربانی کردن شتر می باشد که هم شامل عبادت بدنی نماز و هم عبادت مالی زکات را شامل می شود. اهل بیت معصومین معنای دیگری را هم برای آن بیان نموده اند، از جمله حضرت علی (ع)، امام صادق (ع) و امام باقر (ع) فرموده اند: «وأنحر به این معناست که زمان گفتن تکبیرة الاحرام در نماز، دست ها بایستی تا مقابل نحر یا گردن بالا آورده شود»، پس نتیجه این که «وَانْحَرْ» در دو معنای قربانی کردن شتر و بالا آوردن دست ها تا مقابل گردن معنا شده است (النعمانی، بی تا، ج ۲: ۲۲۰).

۲. تفاوت معنایی الفاظ مرتبط با زیبایی در قرآن

هر لفظ از قرآن کریم برای دلالت نمودن بر مفهومی خاص بکار رفته و واژه دیگری از بین تمامی الفاظی که فرهنگهای لغت و تفاسیر برای آن مفهوم عنوان نموده اند، نمی تواند نقش آن لفظ را ادا نماید. پس در مورد قرآن ترادف منتفی است و در رابطه با هر یک از واژگان آن یک سری دلالت های جزئی و حاشیه ای وجود دارد که با کمک آنها از دیگر الفاظ هم معنای خود متمایز می گردند (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۲۸). بر همین اساس تفاوت هایی بین واژه های زیبایی در کاربست های قرآنی آن وجود دارد که در چگونگی برداشت ما از آیات الهی تاثیر گذار می باشند. این تفاوتها در بعضی مواقع روشن و آشکار بوده و در بعضی مواقع پوشیده می باشند. ابوهلال عسکری به منظور تبیین تفاوت دو لفظ جمال و حسن تفاوت هایی برشمرده است.

(۱) جمال امورات، کارها، خلق و خوی ها و یا زیادی در مال و جسم است که مقام و

جایگاه انسان را برتری داده است، اما این معنا در لفظ حسن وجود ندارد. با نظر به این تفاوت، جمال با توجه به تاثیرش در رابطه با انسان در نظر گرفته می شود، در صورتی که حسن به خودی خود و فی نفسه در نظر گرفته شده و سنجیده می شود.

۲) حسن برای بیان زیبایی صورت بکار رفته و در مرتبه بعد برای افعال و اخلاق نیز بکار رفته است، لکن لفظ جمال برای بیان زیبایی در اخلاق، عملکرد و احوالات ظاهری بوده و در مراحل و مراتب بعدی در بیان زیبایی صورت استفاده شده است.

از بررسی دقیق کاربردهای دو واژه حسن و جمال در قرآن این نکته بدست می آید که کاربرد لفظ حسن در قرآن بسیار وسیع تر از لفظ جمال است. ماده جمال فقط برای سخن گفتن از امورات معنوی و غیرمادی استفاده شده، لکن حسن و مشتقات آن بر هر دو نوع، اعم از حسی و معنوی اطلاق گردیده است؛ پس با نظر بر کاربرد این واژگان بدست می آید که هر جمیلی که عنوان شده حسن نیز می باشد، لیکن حسن تا زمانی که جزو امور اعتباری محسوب نشود، اطلاق جمیل بر آن صحیح می باشد.

زینت آن نوع زیبایی و زیوری می باشد که به چیز یا کسی ضمیمه شده که آن را زیبا ساخته است، بنابراین با دو واژه جمال و حسن که هر دو بر زیبایی اولیه دلالت دارند، دارای تفاوتی آشکار است، کاربرد قرآنی دو صفت حسن و جمال همیشه برای بیان زیبایی های خوب، پسندیده و مطلوب است، اما زینت برای بیان هر دو نوع ترین های مثبت و منفی کاربرد دارد. واژه حلیه نیز دارای مفهوم زینت است و صرفاً برای بیان آراستن تن انسان در قرآن استفاده شده است. بهجت نیز از واژگان هم معنای این گروه به آن نوع زیبایی ای اطلاق می شود که با شادی بخشی و طراوت آفرینی همراه است و آخرین واژه مورد بحث در اینجا تسویل می باشد که عبارت است از آراستن نفسانی که از نظر قرآن امری نکوهیده و ناپسند است.

۳. پدیده های زیبایی شناسانه در قرآن

زیبایی از جمله موضوعات بسیار وسیع و گسترده است و از طبیعت مادی تا ماورای طبیعت و عالم غیر مادی همه را دربر گرفته است. قرآن کریم توجهی ویژه به زیبایی و زیبایی شناختی داشته و در تعدادی چند از آیات الهی به این موضوع اشاره نموده است.

کتاب الهی در راستای بیان اهداف خویش مواردی از زیبایی‌های عالم هستی، زیبایی‌های اخلاقی و معنوی و پرده‌هایی از زیبایی‌های جذاب جهان آخرت را برای بشریت به تصویر کشیده است. زیبایی‌هایی که قرآن کریم به آنها اشاره کرده را در محورهای زیبایی انسان، زیبایی حیوانات و زیبایی طبیعت اعم از نباتی و جمادی است. در زمینه زیبایی انسان مراحل خلقت او و همین‌طور چگونگی رشد و نمو جنین و تعلق روح به جسم به عنوان خلقتی دیگر یاد نموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون/۱۴)، احسن بر آن خدایی که بهترین آفرینندگان است؛ در این آیه کار برد حسن دو جهت را بیان می‌نماید، از یک طرف حسن پروردگار و خالق را بیان نموده و از سوی دیگر حسن مخلوق که انسان باشد را یاد آور شده است. همچنین زیبایی ظاهری انسان مانند اشکال، رنگها و صورتهای انسانها که بسیار متنوع و گونه‌گونه است یاد کرده است. یکی از کاربردهای اصلی و مهمی که زیبایی با جذابیت خاص خود ایفا نموده و در بیان زیبا و جذاب قرآن کریم هم آمده، ویژگی مایه آزمایش بودن آن است. حقیقت زندگی زمینی انسان در آیاتی چند از قرآن کریم با بیانی زیبا بازگو شده است. انسان بنا بر ساختار وجودی و جوهر ذاتی خویش از سویی به زندگی دنیایی گرایش چندانی ندارد، و از طرف دیگر سعادت او بستگی به اعتقاد راسخ او دارد، از این رو خداوند چنین مقرر داشته که انسان به میدان عقیده و عمل وارد شده و مورد آزمایش قرار گیرد، به همین سبب است که خداوند میان او و امور مادی موجود مانند مال، مقام و اولاد پیوند و دلبستگی ایجاد کرده و حب آنها را در دلش قرار داده است، بنابراین هر آنچه در زمین وجود دارد برای انسان زیبا و دوست داشتنی است و به سبب وجودشان بر روی زمین جزو زیورها و آرایه‌های آن محسوب شده و به سبب آن انسان پایبند و دلبسته دنیا شده است. این امر ادامه دارد تا زمانی که به امر خداوند مهلت برای زندگی انسانها در روی زمین سر آید، تعلقات دنیوی همه را از او گرفته و زیبایی‌ها همه محو می‌شوند و جهان پیرامون همانند دشتی بایر می‌شوند که هیچ رویدنی، خرمی و نشانه‌ای از حیات بر وجود ندارد.

در زمینه زیبایی‌های حیوانات خداوند در سوره مبارک نحل مواردی چند از نعمت‌های خویش بر بندگان را برشمرده است، در این آیات هنگام تبیین استفاده‌هایی که

چهارپایان و دامها برای انسان دارند، بعد زیبایی شناختی آنها را هم عنوان نموده است، در آنجا به مواردی همچون زیبایی دل انگیز بازگشت دامها از چراگاه هنگام غروب خورشید در شامگاهان و همچنین زیبایی به صحرا رفتن آنها زمان طلوع آفتاب در صبحگاهان و همین طور استفاده زینتی مرکبها را در کنار بهره برداری به جهت حمل و نقل بیان نموده است.

دومین وجهی که در قرآن به زیبایی آن تأکید شده طبیعت است. قرآن کریم از تمامی گونه‌های طبیعت اعم از بی جان و جاندار، واقعی و مصنوعی همه به زیبایی سخن گفته است. اگرچه گونه‌های حیوانی و همچنین دست ساخته‌های بشری نمی‌توانند همچون درختان، کوههای سر به فلک کشیده و باران تاثیر زیبایی شناختی را پدید آورند، اما قرآن کریم در عین پیگیری اهداف و مقاصد دینی و فکری به آنها توجه ویژه داشته و در بسیاری موارد از آنها بعنوان عوامل خلق احساس زیبایی و مولد رضایت خاطر عنوان نموده است. آیات قرآن کریم وارده در رابطه با طبیعت به بیش از ۷۵۰ آیه می‌رسد. در قرآن درباره آسمان و زیبایی‌های آن آیات فراوانی هست که آسمان مانند سقفی گسترده و پر راز و رمزی یکی از آشکارترین عرصه‌های ممتاز زیبایی در عالم هستی را شکل داده است. آسمان با این عظمت در شب و روز هر دو زیباست، در هنگام شب بوسیله ستارگان درخشان و زیبا آذین بندی شده است و در هنگام روز خورشید تابان با طلوع خویش، نور این زیباترین پدیده عالم هستی را به زمین و زمینیان اهدا می‌نماید و شب هنگام آن را به میهمانی شب می‌برد، چنین تعبیری اهمیتی ویژه به زیبایی داده است، قرآن کریم زینت را بعنوان نشانه‌ای از حس زیادوستی انسان به طور مستقل در رابطه با زیباسازی آسمان از سوی خدای تعالی عنوان نموده و همینطور تقدیر خالق متعال در رابطه با زیباسازی را متذکر شده است، در ادامه لفظ کواکب را ذکر نموده و به این صورت تأکید بر معنا را بیان داشته است؛ چرا که ستارگان با آن عظمت غیر قابل توصیف در حکم زینت برای آسمان می‌باشند. در رابطه با کیفیت زینت بخشی ستارگان به آسمان و چو چندی عنوان شده است: یکی از آنها نور و درخشش آنهاست که از زیباترین و ممتازترین صفات می‌باشد، اشکال مختلف و در عین حال متناسب ستارگان، نحوه طلوع و غروب آنها و همین طور ترکیب

پس زمینه تاریک با گهرهای نورانی و درخشان و زیبایی که در سطح آن قرار دارند. زیبایی آسمان تنها مختص شب نیست، بلکه روزهم آسمان زیبایی، جذابیت و لذت خاص خود را دارا می‌باشد، از جمله صحنه‌های با شکوه و دلکش آن، زمان زیبا و دا انگیز طلوع خورشید در صبح هنگام می‌باشد که نور زرد طلایی رنگش را بر زمین می‌گستراند. قرآن کریم هم به این لحظه زیبا سوگند یاد نموده و صحنه‌هایی گوناگون و زیبا از آن ارائه نموده است. قرآن صحنه‌ای زیبا و جذاب از غروب خورشید را در احساس ذوالقرنین به زیبایی توصیف نموده که خورشید در چشمه‌ای گلگون فرو می‌رود .

در زمینه نباتات و جمادات نیز آیات فراوانی در قرآن کریم هست. شاید یک دلیل آن امتیازی است که زیبایی‌های نباتی بر زیبایی‌های جمادی دارند و آن رشد، تغییر، شادابی، خرمی، زیبایی رنگ رنگ گونه و تغییر ی است که در نباتات از جمله گیاهان و درختان وجود دارد ولی در عین حال این ویژگی‌های زیبایی بخش در پدیده‌های دیگر کمتر وجود دارد، و شاید دلیل استفاده از واژه «بهجت» برای آنها همین موضوع بوده است. قرآن کریم بعد از ذکر دو موضوع آفرینش و زیبایی آسمان و توجه دادن به آنها در سوره مبارکه «ق» منظری دیگر از زیبایی‌های طبیعت را خاطر نشان نموده است و می‌فرماید: «و الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنْبِثْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ * تَبْصِرَةً وَ ذِكْرًا لِكُلِّ عَابِدٍ مُنِيبٍ * وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبِثْنَا بِهِ جَنَاتٍ وَ حَبَّ الْحَصِيدِ * وَ النَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ * رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَ أَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ» (ق/۱۱-۷)، در این آیات بعد از گستراندن زمین و برافراشتن کوه‌های بلند و استوار موضوع رویاندن گیاهان در زمین را بیان نموده است، دشتهای مسطح و هموار در کنار کوه‌های برافراشته که بستر مناسب طبیعی جهت رشد و نمو گیاهان و درختان می‌باشند و اختلاف و تضاد این دو از نظر زیبایی‌شناسی، زیبایی طبیعت را به شکل غیر قابل وصفی افزایش داده است، نخل‌های خرما با قامتی افراشته و سر به فلک کشیده و شکوفه‌های پیچ بر روی هم، در میان همه درختان بلندی که به شکل معمولی می‌باشند و میوه‌هایشان جدا از هم قرار دارند و نه خوشه‌ای، زیبایی خاصی به آنها داده است.

۴. نشانه‌های زیبایی شناختی در قرآن کریم

برای معرفی نشانه‌ها و معیارهای لازم و کافی برای یک چیز زیبا تلاش‌های فراوان و گوناگونی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال هگل دانشمند معروف آلمان در قرن ۱۹ تناسب، و نظام مندی را به عنوان نشانه‌های زیبایی و زیبایی شناختی در عالم طبیعت معرفی نموده است. یکی از مهمترین اصول در امر زیبایی وحدت در کثرت است و نتیجه ترکیب این دو عامل خلق پدیده زیبایی است. هر کدام از وحدت و کثرت دارای صوری می‌باشد و هماهنگی بین اجزاء، تناسب، توازن، سیرتدریجی، تحول، تکرار، تقویت، تمرکز و تضاد به عنوان صورت‌های آن دو شمرده می‌شوند. با سیری در قرآن کریم نشانه‌ها و عواملی را می‌توان برای زیبایی برشمرد که از ویژگی‌های آفرینش الهی در عالم هستی محسوب می‌شوند. از آن جمله است:

۵. الف) زیبایی به مثابه تناسب و توازن

نظام آفرینش طبق هندسه ای دقیق و نظمی استوار بنا شده است که در آن همه چیزها به قدر و اندازه و با نسبت سنجی متناسب، مشخص و معلوم آفریده شده است. آیات بسیاری از کلام الهی گواه بر این مطلب می‌باشند. اگر قدر را به معنای توازن و تناسب تعریف کنیم، در می‌یابیم که بین واژه‌های قدر، خلق و زیبایی در قرآن کریم ارتباطی بسیار واضح و حیرت‌انگیز دیده می‌شود. بدین ترتیب برای خلق دو صفت وجود دارد: یکی قدر که با تناسب هماهنگ است و دیگری حسن که با زیبایی همراه می‌باشد.

موزون در لغت و ماده از ریشه وزن و به معنای سنگینی اجسام است و در بعضی مواقع کنایه از زیبا و متناسب الاجزاء بودن دارد. کاربرد این ویژگی برای خلقت خداوند بر این امر دلالت دارد که هر چیزی که خلق نموده دارای ویژگی اندازه مناسب، زیبایی و تناسب ساختاری است.

۶. ب) زیبایی به مثابه چینش و ترکیب منظم

در عالم هستی کنار هم قرار گرفتن و چینش منظم اجزای مخلوقات یکی دیگر از نشانه‌های زیبایی است که در قرآن کریم به آن اشارات زیادی شده است، این چینش با نظم زیبا به اشکال مختلف ظاهر شده است، گاهی به شکل ردیفی و کنار هم قرار

گرفتن است که در قرآن کریم هنگام سخن گفتن از وسایل و امور بهشتی و شرایط حاکم بر آن از آن یاد نموده است.

۷. ج) زیبایی به مثابه تنوع و تضاد

یکی دیگر از نشانه‌های زیبایی در خلقت الهی و مخلوقات، گوناگونی و تنوع شگفت‌انگیز حاکم بر آنها است. انواع مختلف جمادات، نباتات، حیوانات و انسانها با گونه‌های بسیار زیاد تایید کننده این امر است. مضافاً این که افراد هر گونه نیز از جهت یا جهاتی با یکدیگر متفاوت هستند، در عین حال یک نوع وحدت یکپارچه بر تمامی نظام آفرینش حاکم است و هر موجودی در جایگاه خویش نقشی مختص به خود را ایفا می‌نماید. در مواقعی این تنوع و گونه‌گونگی به تضاد انجامیده است، ظهور کوه سر به فلک کشیده و بلند در کنار دشت مسطح و یا درختان بلند و سر به فلک کشیده در کنار درختان کوتاه، یا روز و شب در کنار سیاهی، سپیدی و شفافی از این نمونه‌های تضاد و عوامل ایجاد زیبایی هستند.

۸. د) زیبایی به مثابه تنوع رنگ‌ها

رنگ‌ها از دیگر عوامل برجسته زیبایی شناختی می‌باشند که همچون لباسی زیبا تن موجودات را زیبا نموده‌اند. انواع رنگها در عالم زیبای طبیعت هر یک جلوه و نمودی از حسن را به نمایش گذاشته‌اند و هر یک تاثیری ویژه بر روح و روان آدمی دارد. تعدادی از آیات قرآن به رنگ‌های گوناگون اشاره نموده‌اند، از جمله رنگ سبز که بیانگر نعمت و خرمی است، به همین جهت رنگی بهشتی بوده و بر خوبان جامه ابریشمی سبز رنگ پوشانده است.

تنوع رنگها در عالم هستی یکی از نمونه‌های تنوع در آفرینش بوده و جزو نشانه‌های زیبایی در عالم هستی است. تنوع رنگها در پدیده‌های زمینی از جمله مواردی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. از این موارد عسل، گیاهان، انسانها، میوه‌ها، جنبدگان و چهارپایان را می‌توان برشمرد. این موارد در سوره مبارک نحل هنگام بیان نعمتها و زیبایی‌های گوناگون بیان شده است.

۹. (ه) زیبایی به مثابه پیراستگی از عیوب

عیب و نقص زیبایی و نظام زیبایی حاکم بر یک شیء یا یک مجموعه را دچار اختلال می‌نماید و با فرض این که زیبایی آنرا از بین نبرد، اما قطعاً مقدار زیادی از ارزش آن می‌کاهد. به همین سبب عاری بودن از عیوب و نقص و برخوردار بودن از کمال از نشانه‌های مهم آفرینش الهی است. قرآن کریم هنگام توجه به آسمان و نظام زیبایی حاکم بر آن این قید را عنوان نموده و انسان را به عاری بودن از هر گونه عیب و نقص در آن توصیف نموده است، یا در جای دیگر ضمن تاکید انسانها را مورد خطاب قرار داده که هر چه می‌خواهید در آفرینش خداوند رحمان جستجو کنید، لیکن در مانده شده و در آن هرگز ناهمگونی و کمبودی نخواهید یافت.

جمیل یکی از صفات ویژه الهی است و با توجه به مفهومی که دارا می‌باشد، غیر از صفات دیگر مانند حیات، علم، قدرت، اراده و دیگر صفات ذاتی و فعلی حضرت حق می‌باشد. در اینجا این نکته قابل ذکر است که با پذیرش این اصل که همه زیبایی‌ها فعل و خلق حضرت حق می‌باشند، جمال او ما فوق همه زیبایی‌های معقول و محسوسی است که در قلمرو انسان و جهان پیرامون او قابل دریافت می‌باشند.

۱۰. فضای تکرر معنا در رابطه با زیبایی در قرآن

بر نص صریح آیات الهی هدف قرآن کریم هدایت بشر است، «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي»، «اسراء / ۹»، در اینجا هدایتگری قرآن به این معناست که انسان را به سوی عقیده و راه و روشی می‌خواند که با آن چه از دیگران به ارث برده یا خود کسب نموده و از جای‌های مختلف تأثیر پذیرفته، در کلیت منافات دارد، چرا که اگر انسان با چیزهایی که از راه‌های مختلف کسب نموده قادر بود به سعادت برسد، دیگر هدایت قرآن معنایی نداشت. این که قرآن هدایتگر است یعنی این که باورها و داشته‌های بشر درست نیستند و او بایستی بوسیله آموزه‌ها و هدایت قرآنی مسیرش را مشخص و اصلاح گرداند.

چشم انداز حرکت قرآنی به این معناست که بشر در استوارترین راه و آئین حرکت نماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»، هدف هدایت قرآنی شناساندن حق به انسان به بهترین شکل و جهت دادن و رشد او در همه جوانب حیات بشری، فردی و جمعی و مقاوم

ساختن او در برابر گمراهی و آموزش او که با باطل ستیز نماید.

در اینجا باید به این نکته مهم توجه شود که رسالت حرکت قرآنی این است که به این استوارترین شیوه، پایبند و ملتزم باشد و جهت استمرار آن تلاش نماید، از پذیرش و انجام هر امری در راستای تحکیم این التزام دریغ ننماید و از هر کاری که با این استواری سازگار نیست، به شدت پرهیز نماید، بشارت و مژده ای که خداوند در ادامه آیه به مومنان داده به همین معنا است، «وَيُشِرُّ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»، (اسراء/۹). یعنی کار صالح هر عملی است که در استمرار آن استوارترین و دقیق‌ترین راه و آیین به کار آید. این رسالت زمانی به وقوع می‌پیوندد که در سه حیطة و گستره، با استواری تمام اتفاق بیفتد:

- ایمان راسخ به خداوند یکتا و توحید.

- عمل به دستورات شریعت بر اساس قرآن کریم.

- پایبندی همه جانبه به آداب، اخلاق و رفتارهای فردی و اجتماعی مطابق با فطرت

انسانی که مایه تحکیم حیات اوست و اسباب تکاملش را فراهم می‌نماید.

هر زمانی که این سه امر تحقق یابد، می‌توان ادعا داشت که انسان به احساس و درک زیبایی حقیقی نائل شده است. در حقیقت هدایت قرآن کریم به استوارترین آئین دارای معنایی عام است و می‌توان این برداشت را نمود که قرآن کریم بشر را در قلمرو احساس، خیال و اندیشه‌های باطنی نیز به سمت زیباترین‌ها رهنمون نموده است، چرا که آن چه که استوارترین است، قطعاً بایستی زیباترین نیز باشد. زیبایی هم نوعی قوام و استواری است و اقوام هم باید اجمل باشد.

اصولاً احساس و درک زیبایی از ارکان مهم حیات بشر است که قرآن کریم قصد دارد انسان را بوسیله آن احیا، تزکیه و تربیت نموده و آن را در زندگی فردی و جمعی بشر جاری و ساری سازد به گونه ای که زندگی و تمدن انسانی سر و سامان یافته و باور و عقاید فرد و جامعه بر مبنای آن استوار گردد. احساس زیبایی همچون دیگر پایه‌ها و ارکان حیات بشری، دارای ماهیتی قرآنی است که در فلسفه‌های رایج بین متفکران بشری همتا و همانندی ندارد. این ماهیت منحصر به فرد را می‌توان با نظر به آیات قرآن کریم با شمول

آفاقی و مظاهر حیاتی و اندیشه ای آن بدست آورد و از این طریق به دستگاهی شامل و کامل در باب زیبایی شناسی دین در پرتو قرآن کریم رسید. برای رسیدن به این مهم مطالعه دقیق جلوه‌ها و جایگاه‌های تصویر زیبایی در آیات الهی و همچنین پیش از آن شناخت و درک جایگاه و رسالت بشر در تصویر قرآنی راهگشا است.

۱۱. بعد اعجاز بیانی مفاهیم مرتبط با زیبایی و تاثیر آن در معنای زیبایی

معنا شناسی قرآن کریم دارای ابعادی چند می باشد. یکی از مهمترین آنها بعد اعجاز قرآن می باشد و همین طور از جمله ابعاد اعجاز قرآن کریم، اعجاز بیانی است. دانشمندان علم بلاغت و مفسران قرآن کریم از جمله زمخشری، سگاک، جرجانی و جاحظ از دیرباز در رابطه با اعجاز بیانی قرآن کریم اشاراتی داشته اند. در دوره معاصر نیز نویسندگانی مانند مصطفی صادق رافعی در کتاب «اعجاز القرآن» در خصوص اعجاز موسیقایی قرآن مطالب جدیدی را بیان نموده اند، به گونه ای که توجه ویژه ای به صوت و صدا در قرآن کریم می دهد و معتقد است که حروف در کلمات و کلمات در آیات آنچنان تناسبی با معنا و مفهوم آیات دارند که این نظم را در هیچ کتاب بشری نمی توان یافت. همچنین معتقد است تغییرات صدایی که منجر به مدّ و کشش صوت، غنّه، شدت و لین در ادای کلمات می شود نظمی آهنگین و یک موسیقی کم نظیر خلق می نماید. (الرافعی، ۲۰۰۵: ۱۴۷-۱۵۲)، همین طور عمر السلامی در کتاب «الاعجاز الفنی فی القرآن»، در رابطه با دلالت لفظ بر معنا، مطالب مفید و با ارزشی را بیان نموده است. اما شاید بتوان گفت نخستین بار سید قطب در کتاب خود «التصویر الفنی فی القرآن الکریم» و همین طور در تفسیر «فی ظلال القرآن» به شکلی روشمند و منسجم به این بحث پرداخته است. ایشان در تالیفات خود به طور مبسوط به ابعاد ظاهری و موسیقایی الفاظ قرآن به عنوان یکی از جنبه های مهم و اساسی اعجاز بیانی توجه نموده است و تأثیر شگرف این جنبه را در ابعاد معنوی قرآن کریم مورد بررسی قرار داد. بعنوان مثال ایشان افزون بر اینکه بین آهنگ و موسیقی الفاظ قرآن با معانی آنها ارتباطی بسیار نزدیک می بیند بدنبال شناساندن جنبه هنری موسیقی قرآن است؛ به این معنا که علاوه بر تأثیری شگفت انگیز بر احساسات و وجدان مخاطب، معانی والای آیات آن هم بر قوه خیال او تأثیر گذاشته و نمایی دقیق از آنچه می شود در ذهن و خیال او متناسب

با پیام آیات مجسم می‌نماید؛ «فی ظلال القرآن: ۲۱-۱۹» همچنین او آیه ۲۶ سوره مبارک فصلت «لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ»، را نشان بر اعجاز تاثیر گذاری قرآن کریم در وجود مخاطبان و جهت بخشی در نحوه رویارویی آنان با این بعد از اعجاز قرآن می‌داند.

نظم آهنگین حروف و کلمات آیات وحی و چیش بی نظیر آنها به گونه ای است که نهایتاً به توسعه ظرفیت معنا می‌انجامد. ضرب آهنگ و موسیقی جذاب و دلنشین حاصل از الفاظ و عبارتهای قرآن کریم به شکلی است که معانی را به زیباترین شکل و نما در پیش چشم خواننده ظاهر می‌سازد.

۱۲. نوع و شکل الفاظ مرتبط با زیبایی در ایجاد معنا

قرآن کریم سرسلسله تمامی معجزات قولی و تعین لفظی وحی در عالم ماده است. این معجزه در جایگاه نزول در جامه تعبیر و ترکیب و شکل و قالب واژگان درآمده است. این شکل‌گیری در ادبیات بشری در قالب عربی مبین (شعرا/۱۹۵) تجلی نموده تا انسانها در آن بیندیشند و به اندازه توان و ظرفیت خویش از آن بهره مند گردند. آثاری همچون «اعجاز القرآن»، «معانی القرآن» از رمانی، نظم القرآن جاحظ، اعجاز القران باقلانی، مفتاح العلوم سکاکی و دلایل الاعجاز و اسرار البلاغه جرجانی، مطول و مختصر دو اثر گراندتر تفتازانی و همچنین الاتقان سیوطی و ده‌ها اثر دیگر همه در موضوع اعجاز لفظی قرآن کریم نگاشته شده‌اند. هدف همه اینها تبیین زیبایی قرآن کریم نگاشته شده‌اند. هدف همه اینها تفسیر زیبایی قرآن کریم، بیان صحیح تناسب میان لفظ و معنای آیات الهی، رعایت حال در پیام‌رسانی از سوی خداوند بوده است. هدف تفهیم زیبایی‌های معنوی و تبیین مقتضای حال در قالب الفاظ می‌باشد (خانجانی، ۱۳۹۱: ۴۵-۵۹).

تمثیل یکی از ابزارهای مهم در القای کلام الهی به بشر می‌باشد. تمثیل را می‌توان نوعی مقایسه و تشبیه دانست که گوینده مخاطب را در درک سخن خویش ناتوان می‌داند. این وسیله علاوه بر این که در تفهیم مطلب و مقصود گوینده بسیار موثر و کارآمد می‌باشد، دارای ویژگی‌های دیگری از جمله زینت کلام، القای کلام همراه با یک حس خوش و زیبایی به مخاطب یا مخاطبین نیز می‌باشد. خداوند تبارک و تعالی انبیاء و رسل

خویش را از این ابزار بهره‌مند ساخته است. پیامبران الهی بسیاری از پند و اندرزهای تربیتی و اخلاقی خود را در قالب زبانی ساده و همراه با تمثیلات گویا، شیوا و شیرین به امت‌های خویش ابلاغ نموده‌اند. در کتب آسمانی و از جمله قرآن کریم تمثیل و کاربرد مثال‌ها جهت هرچه زیباتر بتصویر کشیدن یکی از فضایل اخلاقی به منظور جلوه دادن آن در منظر عموم و ترغیب و تشویق مردم به آن‌ها گردیده است (اکبری دستک، ۱۳۹۱: ۲۱-۴۳).

۱۳. طرح تصویری مفهوم زیبایی در قرآن کریم

قرآن کریم در راستای اقناع مخاطبین و ایجاد فهم بهتر مفاهیم برای همگان از ابزار و طرح‌های مختلفی بهره‌گرفته است، یکی از این ابزارها بیان طرح‌های تصویری می‌باشد. معناشناسی بعنوان یکی از زیرساخت‌های اصلی زیبایی‌شناختی که موضوع تحقیق حاضر می‌باشد دارای حوزه‌ها و شاخه‌های مختلفی همچون معناشناسی در زمانی، فرازمانی و طرح‌های تصویری می‌باشد. یکی از شاخه‌های معناشناسی شناختی، طرح‌های تصویری می‌باشند که به سه قسمت حجمی، حرکتی و قدرتی تقسیم می‌شوند. طرح‌های تصویری یکی از ساخت‌های مفهومی مورد توجه معناشناسان شناختی بوده است که این طرح‌زایش اندیشه فردی به نام چامسکی زبان‌شناس معروف در رابطه با زبان و شناخت زبان می‌باشد. او دارای دیدگاهی خاص، یعنی جدایی حوزه قواعد زبان از دیگر فرایندهای ذهن انسان می‌باشد. بنابراین طرح تصویری نوعی ساخت مفهومی می‌باشد که براساس تجربه ما از جهت خارج در زبان ما نمود پیدا می‌کند. قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل‌ترین پیام الهی از تمامی اسلوب‌ها و ابزارها جهت القای کلام خویش بهره‌برده است. از جمله طرح‌های حجمی تصویری «اصحاب رس» را می‌توان عنوان نمود. «وَعَادُوا وَتَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا» (فرقان / ۳۸). در آیه فوق اگر چه «رس» حال ظاهر قومی را بیان داشته، اما در واقع به صورت استعاره از واژه در بیان حال آنها بهره‌برده است و آن به جهت ابلاغ بودن استعاره در بیان معنا و مفهوم می‌باشد. یا کاربرد «صراط» در آیه «وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصُّرَاطِ لَنَا كِئُونَ» (مؤمنون / ۷۴)، که بنا بر نظر بسیاری از مفسرین با توجه به کلام امام علی (ع) منظور از صراط ولایت می‌باشد که در اینجا آن را چون امری قابل تصور و محسوس عنوان نموده است. «عروة الوثقی» (بقره / ۲۵۶)، «سرر

موضوعه» (واقعه / ۱۵) از دیگر موارد مشابه مثالهای فوق می‌باشند.

طرح حرکتی از دیگر طرح‌های تصویری می‌باشد. در آیات الهی خداوند به مواردی نیز در این زمینه اشاره نموده است: «وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ» (ابراهیم/۴۶)؛ که خداوند در این آیه مکر کافران را بسیار بد و سنگین دانسته تا جایی که کوههای سخت و سنگین را به حرکت در آورده و از جای می‌کند. آیات ۱۴ تا ۱۶ سوره مبارک مزمل نیز بر این امر دلالت می‌نمایند.

طرح قدرتی به عنوان سومین طرح تصویری در واقع به عنوان عامل مقاوم در جهت طرح حرکتی تصور می‌شود. از جمله شواهد قرآنی قابل ذکر آن موارد ذیل می‌باشند: «لَوْ أَحَظَّهُ لِلْبَشْرِ» (مدثر/۲۹)، «وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (تکویر/۶)، «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ آثْنَيْنِ...» (هود/۴۰).

آیه اول بیانگر عذاب سخت الهی است که هیچ راهی برای گریز از آن وجود ندارد. آیه دوم تعبیر قرآنی به دریایی که صفت غرق کردن دارد عنوان شده است، صفتی متمایز به عنوان شعله ور شدن و برافروختن داده و قدرت جوشندگی آن به امر الهی را بیان داشته است. و نهایتاً آیه سوم جوشش تنور به عنوان علامت نزول عذاب بر قوم نوح را مطرح می‌کند که این قوم عاصی به علت عصیان، راه گریز را بر خود بسته اند. نتیجتاً این که خداوند تبارک و تعالی در کتاب خویش جهت تفهیم موضوعات از طرح‌های تصویری که شامل حجمی، حرکتی و قدرتی می‌باشند، بهره برده است (دهقان، ۱۳۹۴: ۹-۲۸). در این طرح‌ها برای پدیده‌های مختلف اعم از عاقل و غیر عاقل خصوصاتی چون تنفس، تکلم، بصیرت و خصوصیات دیگر قائل شده و برخی از پدیده‌های بی جان را دارای صفات و ویژگی‌هایی همچون حرکت کردن، افروختن، متلاشی شدن و ... می‌داند و این‌ها همه در راستای تکثر معنای واژگان و ایجاد زیبایی و زیبایی بخشی می‌باشند.

نتیجه‌گیری

در قرآن کریم هر لفظ صرفاً برای بیان یک مفهوم به کار رفته است و هیچ لفظی از جمیع الفاظ موجود در فرهنگهای لغت و کتب تفسیر نمی‌تواند آن معنای مورد نظر را ادا نماید، بنابراین در قرآن کریم پدیده ترادف لغات جایگاهی ندارد و هر کدام از واژگان آن دارای دلالت‌های حاشیه‌ای و فرعی است که بوسیله آنها از واژگان دیگر هم معنای خود ممتاز می‌شود، بر همین اساس در کاربردهای قرآنی واژگان زیبایی تفاوت‌هایی وجود دارد که در مجموعه برداشت‌های ما از آیات الهی تاثیر گذار است. این تفاوت‌ها گاهی مواقع روشن و گاهی پوشیده است. آنچه مسلم است تاثیر این برداشت‌های متکی بر ابعاد ذهن و عین است که منجر به تکثر معانی در واژگان است. با بررسی آیات الهی این نتیجه به دست می‌آید که زیبایی امری نسبی و متغیر بوده و ابعاد آن بر دو محور عینی یا دیداری و ذهنی یا نامحسوس استوار است. این موارد با معناشناسی، تکثر معنا و نهایتاً خلق و ایجاد زیبایی در ارتباط بوده و در این پدیده تاثیر گذار هستند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ۱۴۱۵، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن کریم.
۱. ابوالفتح، سید امیر. ۱۴۰۴ق، آیات الاحکام جرجانی، تهران: انتشارات نوید.
 ۲. اسعدی، محمد. ۱۳۹۵ش، سایه‌ها و لایه‌های معنایی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
 ۳. الرفعی، مصطفی صادق. ۲۰۰۵م، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۴. سعیدی روشن، محمد باقر. ۱۳۸۹ش، زبان قرآن و مسائل آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۵. صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۶ش، تفسیر القرآن الکریم، قم: انتشارات بیدار.
 ۶. طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان، قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحزه العلمیه.
 ۷. طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۶۵ش، تبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث عربی.
 ۸. طیب حسینی، سید محمود. ۱۳۸۸ش، چند معنایی در قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۹. قائمی‌نیا، علیرضا. ۱۳۹۳ش، بیولوژی نص، نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۰. قطب، سید. ۱۹۸۸م، فی ظلال القرآن، بیروت: انتشارات دارالشروق.
 ۱۱. محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۹۰ش، تفسیر قرآن ناطق، قم: ناشر دار الحدیث.
 ۱۲. مصطفوی، حسن. ۱۳۷۴ش، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 ۱۳. النعمانی، محمد بن ابراهیم. ۱۳۹۹ق، الغیبه للنعمانی، طهران: مکتبه الصدوق.
 ۱۴. واعظی، احمد. ۱۳۹۰ش، نظریه تغییر متن، تهران: ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مقالات

۱۵. اکبری دستک، فیض الله. ۱۳۹۱. «تمثیل ابزار مشترک قرآن کریم و اناجیل». فصلنامه مطالعات قرآنی. شماره ۱۲.
۱۶. پارسایی، تهمنه. ۱۳۹۱ش. «توسعه پذیری معنا در تفسیر قرآن کریم». فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۲.
۱۷. خانجانی، علی اوسط. ۱۳۹۱. «واژه‌های همسان آوا در قرآن کریم». فصلنامه مطالعات قرآنی. شماره ۱۲.

۱۸. دهقان، سمیرا. ۱۳۹۴. «مؤلفه های معناشناسی واژگان قرآن در شیوه تبیینی امام علی (ع)». فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۴.
۱۹. رضاداد، علیّه. ۱۳۸۸ش. «روش های نوین در عرصه تفسیر». مجله پژوهش دینی. شماره ۱۹.
۲۰. سیدی سیدحسین و خلف، حسن. ۱۳۹۳ش. «تحلیل زیبایی شناختی تصویرهای هنری در قرآن (مطالعه موردی سوره فصلت)»، مجله پژوهش های ادبی قرآنی. سال اول. شماره ۲.
۲۱. شاکر، محمد کاظم. ۱۳۸۷ش. «مدل های چندمعنایی در تفسیر قرآن و کتاب مقدس». پژوهش های فلسفی - کلامی. شماره ۳۸.
۲۲. شهبازی، محمود و شیرازی نرگس. ۱۳۹۲. «بازتاب لطافتها و ظرافتهای زبانی و ادبی قرآن در ترجمه». مجله پژوهشهای ادبی قرآنی. سال اول. شماره ۲.
۲۳. مقدسی، یوسف. ۱۳۹۸. «زبان و اسلوبهای بیانی در داستانهای قرآنی». فصلنامه مطالعات قرآنی. شماره ۴۰.
۲۴. موسوی لر، اشرف السادات و یاقوتی، سپیده. ۱۳۹۴ش. «زیباشناسی کلام و حیانی قرآن کریم». مجله جلوه هنر، شماره ۳۹.

